



الزام ادارات به تامین برق از انرژی تجدیدپذیر

سخنگوی صنعت برق گفت: مصوبه الزام بخش اداری به تامین بخشی از انرژی مورد نیاز خود از انرژی های تجدیدپذیر از سوی وزیر نیرو ابلاغ شد. به گزارش ایلنا، مصطفی جیبی مشهدی، سخنگوی صنعت برق گفت: براساس مصوبه شورایی انرژی، ادارات ملزم شدند طی چهار سال ۲۰ درصد (سالانه ۵ درصد) مصرف برق خود را از طریق تجدیدپذیرها تامین کنند. در صورت عدم رعایت این موضوع توسط ادارات یا سازمان ها تعرفه برق آن ها به قیمت انرژی های تجدیدپذیر محاسبه خواهد شد و سازمان ها و ادارات مشمول باید برق مورد نیاز خود را از طریق تابلوی سبز بورس انرژی خریداری کنند. او عنوان کرد: توسعه انرژی های تجدیدپذیر یکی از وجوه سیاست های زیست محیطی بوده و وزارت نیرو نیز برای این موضوع اهمیت ویژه ای قائل است و علاوه بر این به منظور رفع ناترازی در تولید و تقاضای برق، برنامه ریزی افزایش ظرفیت ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر توسط وزارت نیرو صورت گرفته که در این صورت به کاهش مصرف سوخت های فسیلی و انتشار آلاینده های هوا کمک خواهد کرد.



توقف صادرات گاز ایران به عراق

صادرات گاز ایران به عراق به علت انجام تعمیرات در داخل ایران متوقف شده است. به گزارش ایلنا، وزارت برق عراق در بیانیه ای اعلام کرد، به دنبال کاهش تکلیف بر گاز وارداتی از طریق ساخت سیکل های ترکیبی و فعال سازی نیروگاه های حرارتی و نیز پروژه های انرژی خورشیدی است. در این بیانیه آمده است: کمبود گاز وارداتی تاثیر خود را بر نیروگاه های برق گذاشته و موجب نقص بیش از ۴ هزار مگاواتی در شبکه تامین برق در بغداد و مناطق مرکزی و کاهش ارسال برق به مناطق جنوبی شده است. وزارت برق عراق طبق دستورات دولت و با هماهنگی وزارت نفت به دنبال جایگزین کردن کمبود گاز برای فعال سازی نیروگاه ها با سوخت های جایگزین است تا زمانی که گاز وارداتی که به علت انجام تعمیرات در داخل ایران متوقف شده است، از سر گرفته شود.



توزیع بیش از یک میلیون تن کود

معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی از توزیع بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن کود برای کشت پاییزه خبر داد. به گزارش ایسنا، علیرضا مهاجر با بیان اینکه باید با کمک کشاورزان بتوانیم در داخل کشور تولید داشته باشیم تا این تولید بتواند نیاز غذایی جامعه را برطرف کند، گفت: حدود ۱۲ میلیون هکتار اراضی را تحت پوشش کشت و کار قرار می دهیم که ۸/۵ میلیون هکتار آن در پاییز کشت می شود و بیشتر محصولات که کشت می شود از خانواده غلات و شامل گندم، جو، ... است. او افزود: ۷۰ درصد کشاورزان ما اراضی زیر ۵ هکتار دارند و ۱۰ درصد آینده حدود ۹۰ درصد از این اراضی کمتر از ۳ هکتار خواهد شد و این موضوع میزان بهره وری را به شدت کاهش می دهد و عملکرد را پایین می آورد. مهاجر به طرح جهش تولید در دیمزارها اشاره کرد و گفت: در سال اول حدود ۶۷۰ هزار هکتار از اراضی را تحت پوشش این طرح قرار دادیم. سال دوم این عدد به دو میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار و سال سوم به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار رسید. امسال نیز برنامه داریم که تا ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار برسائیم که تاکنون نزدیک به ۴ میلیون هکتار آن کشت شده است.



برای کوچ بازار

هم میهن امکان انتقال بازار بزرگ تهران به مکانی دیگر را در گفت و گو با کسبه، هیئت امناء و دیگر فعالان بازار بررسی کرد

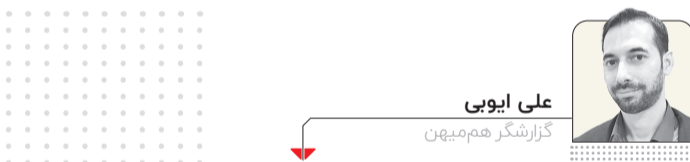
تغییر شکل فعالیت اصناف با یک عدم تناسب مواجه است، به همین دلیل پس از مطالعات کارشناسی طرح انتقال بازار در دستور کار قرار خواهد گرفت. شهردار تهران نیز همان زمان اعلام کرد، به دنبال بازسازی و ساماندهی بازار است. اما این انتقال چقدر شدنی است؟ ۷۰ هزار واحد صنفی چگونه و به کجا می تواند انتقال داده شود؟ اصلاً چگونه بازاریان راضی به انتقال خواهند شد؟ گپوگفت با سازندگان بازار و هیئت امنای آن کوچکترین نشانه ای از رضایت از این کوچ اجباری نشان نمی دهد.

سرای آزادی و اخطارهایی که به نتیجه نرسید

اگر برای خرید وارد بازار تهران شوید و یا قصد دیدن همه آن را داشته باشید، نزدیک به ۵۲ راه ورود به بازار وجود دارد. البته باید نزدیک به ۱۰ کیلومتر در راه ها و دالان های آن پیاده روی کنید و علاوه بر دیدن بسیاری از آثار قدیمی که آنجا را تبدیل به یک شهر کوچک کرده با مشکلات و اتفاقات عجیبی که مختص بازار تهران است نیز آشنا خواهید شد؛ از معبرهای تنگ در بازار کفایش ها، حمام چال، بازار زید، پاچنار، فرش باشی و حتی چهارسوق بزرگ که روزگاری محل استقرار داروغه بازار بود گرفته تا برخورد با گاری ها و چرخ های که شما را به سمت اجناس چیده شده در جلوی مغازه ها در بازار امیر، حضرتی، نوروزخان، بازار بین الحرمین و چهارسوق کوچک پرت می کنند.

در گوشه ای از سرای آزادی بازار، پارچه ای نصب شده که بر روی آن نوشته شده: «شهرداری و آتش نشانی و ستاد بحران به اطلاع کسبه محترم می رساند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۲/۳/۱۰ نسبت به جمع آوری هرگونه سدمعبر اعم از میز و دیوپی اجناس در کلیه مشاعات اقدام نمایند؛ در غیر این صورت طبق ضوابط قانونی اقدام خواهد شد.» اما هنوز زیر همین پارچه، اجناس و میزهای مغازه داران تلنبار است و معابر پر از جعبه و گاری و جنس های به نمایش گذاشته شده. همین شرایط را می توان در تیمچه حاجب الدوله، بازار کیلویی ها، بازار زرگرها و بازار چهل تن که به بازار خرده فروش ها معروف هستند نیز دید.

مرتضی، یکی از فروشندگانی است که مغازه اش دقیقاً زیر یکی از همین پارچه نوشته ها است و اجناس اش تا یک متری جلوی مغازه رفته است، برای فرار از برخورد با چند چرخ که با شتاب در حال حرکت هستند به داخل مغازه او می روم، مرتضی می فهمد که قصد خرید ندارم و وقتی با شوخی و خنده به نوشته روی پارچه اشاره می کنم، می گوید: «می دانی کرایه هر مغازه چند است؟ جریمه شوم بهتر است یا توانم کرایه و مالیات بدهم؟»



علی ایوبی

گزارشگر هم میهن

۵۲ راه ورود کم عرض و دالان های دراز با ۱۰ کیلومتر پیاده روی شما را به چهارسوق بزرگ و چارسوق کوچک بازار آهنگران می رساند. نبض اقتصاد تهران در اینجا می تپد، زیر سقف های حلبی - که زور چند نسل از رؤسای آتش نشانی منطقه هم به برداشتن آن نرسید- غوغای از لباس و پلاستیک و زیور و اجیل و پارچه برپاست. در همان معابر باریک با عرض دوسه متری کوهی از کالا جلوی مغازه ها تلنبار است و بساط گسترها کارشان از مغازه داران پررونق تر پیش می رود. از بالا که نقشه بازار را نگاه کنید، معابر مثل موربک ها در وسعت ۱۱۲ هکتار به یکدیگر متصل شده اند. خطوط ریز و پیچ در پیچی که طی مسیرهای آن به ویژه در ایام پرتقاضایی مثل عید کار هر کسی نیست.

ساخت و توسعه این میراث ملی، کار فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه قاجار است. تهران از شهرهای قدیمی ایران بود اما اعتبار آن نه به دلیل تمدن یا آبادانی و یا قرار گرفتن در مسیر تجارت جهانی، بلکه به دلیل استقرار حکومت به تدریج ایجاد شد. دو، سه سالی پس از شروع حکومت ناصرالدین شاه بود که بازار تهران اعتباری پیدا کرد و به یکی از پنج محله اصلی شهر بدل شد. در آن زمان تهران هفت هزار و ۸۰۰ باب منزل داشت و بیش از چهار هزار و ۲۰۰ باب دکان.

از همان زمان استقرار صنوف در این وسعت صد هکتاری، چند حوزه علمیه و ۵۰ مسجد جامع هم پیش بینی شد که بعدها زمینه ساز حضور جریان ساز بازار در مسائل سیاسی تاریخی شد. اولین تغییر مناسبات بازاریان و حکومت با درخواست تشکیل «مجلس وکلای تجار» از ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۳ خورشیدی رقم خورد. از سال ۱۲۶۳ تا ۲۲ سال بعد که فرمان مشروطه به امضای مظفرالدین میرزا رسید، بازار به یکی از جدی ترین بازیگران عرصه سیاست داخلی ایران بدل شد. در واقع حمایت تمام و کمال بازاریان از میرزای شیرازی و الغای امتیاز تنباکو، پایه گذار انقلاب مشروطه شد. از ۲۰۰ سال پیش تا به الان در بازار بزرگ تهران ۷۰ هزار واحد صنفی و ۲۳ اتحادیه در بازار استقرار یافته اند و همین اعداد است که وقتی حرف انتقال بازار به میان می آید، کار را نشدنی می کند. استاندار تهران مدتی پیش خبر داد که بازار تهران به دلیل وسعت

۳۰ دی ۱۳۹۵ ساختمان پلاسکو پس از ۵۴ سال از احداث، آتش گرفت و ۵۶۰ واحد تجاری آن نابود شد. اگر فرسودگی عامل ریزش پلاسکو شد در بازار بزرگ تهران علاوه بر فرسودگی، سیم کشی های برق غیراصولی، تجمع صنوف اشتغال زا کنار هم، معابر تنگ و بساط گسترهایی که همان معابر تنگ را هم مسدود کرده، کار را برای آتش نشانیان در مواقع خطر دشوارتر کرده است. درست ۶ روز بعد از تاریخی که بر روی آن پارچه نوشته شده، در بازار آتش سوزی رخ می دهد که به گفته فروشندگان اگر معابر باز بود ماشین های آتش نشانی زود می توانستند آتش را خاموش کنند و خسارت کمتری به ۷۰ مغازه ای که در آتش سوخت، وارد می شد. همان زمان معاون اول رئیس جمهور دستور داد خدمات امدادی افزایش پیدا کند و سازمان آتش نشانی برای سهولت در رفت و آمد معابر کم عرض در بازار مجبور به طراحی خودروهای ویژه ای شد که بتوانند عملیات های خود را زودتر انجام دهند. همچنین تنها چهار تیم عملیاتی اورژانس در بازار مستقر است و آنها مجبور هستند به دلیل مشکلات تردد از خودروی برقی کوچک و موتور لانس استفاده کنند.

البته در بازار چند مرکز خرید مانند «پاساژ مریم» و «پاساژ دلگشا» نیز وجود دارند که زیبا، مدرن و استاندارد ساخته شده اند که مسائل ایمنی را به خوبی رعایت می کنند اما شلوغی بازار را ندارند و گویی مردم ترجیح می دهند سختی عبور و مرور را در بازار تحمل کنند و از قدیمی ترین بخش بازار تهران یعنی لباف ها، که گری دوزها، سراج بافنده ها و نعل جی ها خرید کنند.

بازار بین الحرمین و کاسبی عرفی

بی انصافی است اگر تنها صاحبان مغازه و حجره داران را در به هم ریختگی اوضاع بازار مقصر بدانیم و وقتی پهای درد دل آنها بنشینیم خواهیم دید که بازار تهران به ازای عمرش مشکلات داشته و با بردن آن به جای دیگر حتی صورت مسئله را هم پاک نکرده ایم. بازار بین الحرمین بازار صنف لوازم التحریر محسوب می شود. در کوچه های تنگ و شلوغ آن اما دیدن کتابفروشی که ناشر داستان های دوران بچگی نسل دهه شصتی ها و یکی از محبوب ترین آنها یعنی «حسینی نگویه دسته گل» است، مانند پیدا کردن سوزن در انبار کاه می ماند. پیرمردی کمی چاق، خوش پوش و بیشتر از آن مهربان که وقتی از مشکلات بازار می گفت، اخمی صورتش را جمع می کرد.

او در مواجهه با این حرف من که شهرداری و دولت به دنبال ساماندهی بازار و حتی تغییر مکان آن افتاده اند، گفت: «بازار را نباید فقط چند مغازه فرض کرد، از چهارراه سیروس تا خیابان مولوی از آنجا تا میدان اعدام و چهارراه گلوندک تا خیابان خیام را شامل می شود که به اندازه یک شهر کوچک است و تغییر مکان آن شدنی نیست. مغازه ای کوچک است و یک مغازه دیگر بزرگ، هر کدام نیز قیمتی متفاوت دارند و مالیات های خاص خود را پرداخت می کنند، چطور می شود با تک تک آنها وارد مذاکره شد و آنها را قانع کرد که از اینجا بروند.»

تغییر مکان بازار، پیرمرد را به یاد پیش از انقلاب و عبدالعظیم ولیان استاندار خراسان که نایب التولیه آستان قدس رضوی نیز بود، انداخت و این خاطره را نقل کرد: «ایام هست در قبل از انقلاب آقای ولیان، بازار مشهد و اطراف حرم را خراب کرد و یک بازار جدید ساخت و بعد اعلام کرد هر که می خواهد می تواند در اینجا مغازه بخرد. البته او هم برای آن کار با سختی هایی مواجه بود و کار سخت و عجیبی هم انجام داد. مثلاً می گفتند اودومامور مالیات افرستاد که از هر مغازه دار پرسند ملک او چقدر ارزش دارد آنها نیز از ترس افزایش مالیات می گفتند کاسبی خبری نیست و قیمت مغازه خود را به یک دهم ارزش واقعی آن اعلام می کردند، مأموران نیز این حرف ها را می نوشتند و از مغازه دارها امضا می گرفتند و چند ماه بعد براساس همین نوشته پولی به آنها دادند و مغازه را خالی کردند. حتی من شنیدم یکی از آن مغازه دارها که جلوی چشمش مغازه او را خراب کرده بودند با اصرار و زحمت به پیش ولیان می رود و به او وسیلی می زند. آن زمان اینگونه توانستند یک بازار جدید در مشهد بسازند اما در همان زمان هم کسی جرأت نداشت این کار را برای بازار تهران انجام دهد چه برسد به الان که اوضاع بازار بسیار پیچیده تر و در هم تنیده تر شده است.»

اینجا را با مغازه نیاوران هم عوض نمی کنند

پیرمرد کمی مکث می کند و می گوید: «من چند دهه است که در بازار تهران کار می کنم، در بازار است که بورس و سرای پارچه فروش ها یا ساعته فروش ها و کلاه فروش ها شکل گرفته است، همین باعث رونق کاسبی و درآمد و مرغوبیت ملک آنها شده است، مطمئن باشید خیلی از این افراد مغازه پنج متری خود را با یک مغازه سی متری دونبش در منطقه نیاوران عوض نمی کنند.»

سردرد دلش که باز می شود بیشتر از مشکلات بازار و محل کسب خود می گوید که به مغازه های آنجا گاز نمی دهند چون بازار فرسوده است: «پاساژ ما خیلی قدیمی است و کل آن را فرسوده محاسبه کرده اند، اگر نگاه کنید حتی جای مناسبی برای گذاشتن وسایل ایمنی و حتی بارهای اضافه کسبه وجود ندارد و بارکش ها به زور گاری خود را حرکت می دهند و آمد و رفت برای همه و به خصوص مشتری ها سخت است، با این حال اگر به هر کدام از مغازه دارها بگویید که در جای دیگر بازار حتی به صورت موقت مغازه داده می شود تا اینجا را احیا کنیم قبول نمی کنند چون از قدیم گفته اند سری که درد نمی کند را دستمال نمی بندند.»

از او می پرسیم چرا برای راحتی کاسبی در بازار و رها شدن از این مشکلات برای پاساژ خود قانون نمی گذارید که با نیشخند می گوید: «اینجا هیچ کس قبول نمی کند که حتی عضو هیئت مدیره ساختمان پاساژ شود چون اول باید خودش قانون را